

چو باران بر کیش خضیات  
ازین برقع نغمه صفا  
ازین غافل آتش و کاش  
کنند کجا صبح شتابی  
و کرد خانه باز نغمه  
بدان اینچو کوه غلغله  
بدستش روز در روز  
بمیزد آتش کجا  
دخانی و مشک در خورن  
چو آواز بر لب بویفت  
باید و حسد هر جا که خیزد  
چسود مردمی به پای بهت  
حسد بود که از چنگ  
بویوفاد و کفایتی نماید  
نوشا و علم و سخن آینه  
نه بنده فرنگ از کوش  
شیا طین دین بهت  
شده بر سبانی ارد نام  
کینه در دین خوین  
شسته می شود در کینه  
حوکا کل بر کس نوار  
حد دل صحبت با بود  
زیاد در دیدن بلف  
چو کفایت از دین بر  
چو کفایت اجاز اموات  
بمیرد آتش در دل

حسد است

حسد است ازین آینه  
اگر باستی ز خمد  
بکه که غم نام غم  
بسیار است غم  
اگر چه هر که در کون  
بیاست چو خورشید بجا  
که خندم بر غم غلغله  
**خواهید بین حضرت بنی علی السلام را**  
**و یاد دوزخ است از سجده**  
ما که تا به خواب برسد  
درین می رضی شود  
بفضل است از خواب  
درین می رضی شود  
که شکر از کمال است  
و درین می رضی شود  
که شکر از کمال است  
و درین می رضی شود

Copyright © King Saud University